

# ادبیات کودک بر رویکردهای جدید به دین

## مقدمه

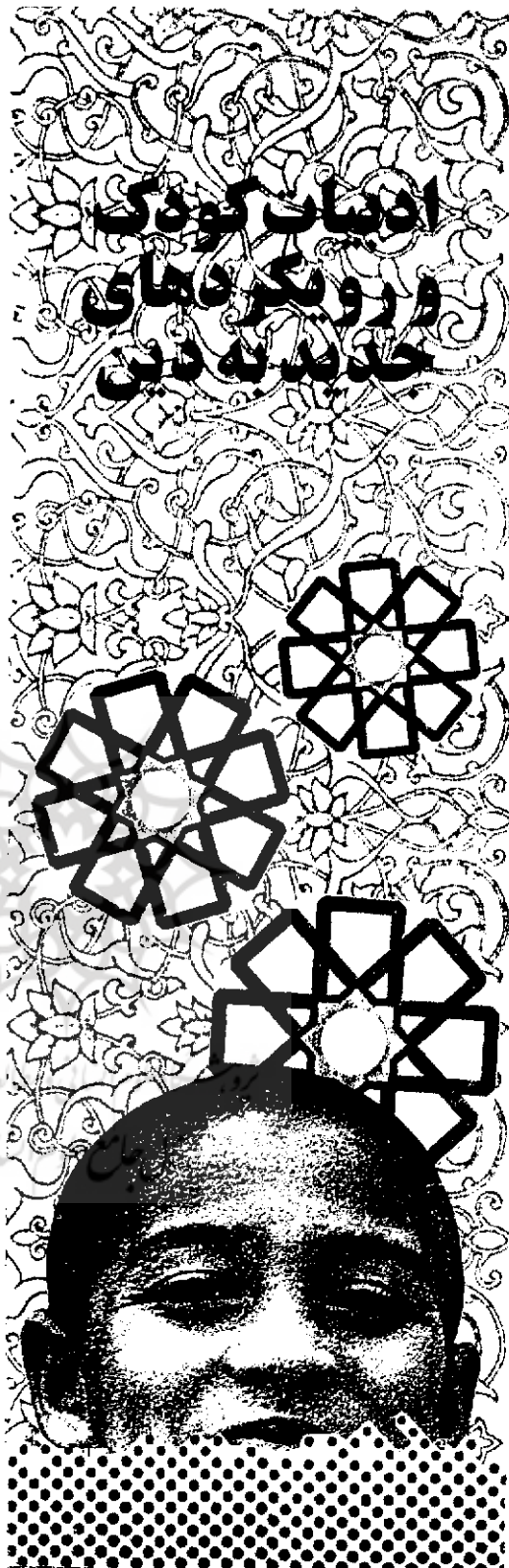
۱. پیش از هر سخنی بیان این نکته لازم است که نگارنده با بحثها و اظهارنظرهای نویسندگان و کارشناسان ادبیات کودک و نوجوان در زمینه ادبیات دینی کودک و نوجوان، آشنا بوده و در نوشتن این مقاله استفاده بسیار، از آنها کرده است، اما با توجه به اینکه اکثر این مقالات را - به رغم احترامی که برای مؤلفان آنها قائل است - فاقد مبانی نظری دانسته و معتقدات از لحاظ روش‌شناسی با مشکلات اساسی رو به رویند و در صورت طرح در مقاله باید با رویکردی انتقادی به آنها نگریسته می‌شد، نامی از آنها به میان نیاورده است.

۲. در این نوع بحثها نگارنده قائل به ارائه «حرف آخر» و تمام کننده نبوده و چنین ادعایی را از هر کس که باشد، ادعایی عقلایی نمی‌داند و معتقد است که این مقاله نیز تنها و تنها در حد یک اظهار نظر اهمیت دارد و عیار آن باید با محک نقد سنجیده شود و نقد این مقاله بسیار مهتمتر و با ارزش‌تر از خود آن خواهد بود. از این رو به اصرار و التماس چنین تقاضایی از منتقدان دارد.

۳. در این بحث، رویکردهای جدید به دین و تحولات معرفت دینی، به عنوان واقعیتی پذیرفته شده و اصیل تلقی گردیده و از همین منظر به ادبیات کودک پرداخته شده است. در واقع، چهارچوب نظری بحث مبتنی بر رویکردهای جدید به دین و معرفت دینی است و این رویکردها به عنوان انگاره‌های پیشینی در نوشتن این مقاله مد نظر بوده‌اند.

## تحولات معرفت دینی

در آغاز فصل هشتم کتاب ارزشمند «عقل و اعتقاد دینی»<sup>(۱)</sup>، چکیده‌ای از داستانی علمی - تخیلی نقل شده که می‌تواند به عنوان نکته‌ای



۱- عقل و اعتقاد دینی / ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطان / ۱۳۷۶ / طرح نو.

کلیدی در مقاله ما حضور یابد.

## 👉 در نگاهی کلی می‌توان گفت ادبیات دینی برای کودکان، ادبیاتی است که میراث مذهبی (شامل دغدغه‌ها و آموزه‌ها) نسل کنونی را به نسل بعدی منتقل می‌کند. این تعریف، مبتنی بر واقعیت است یعنی در حال حاضر ادبیات دینی برای کودکان کشور ما با همین تعریف تولید می‌شود.

کوچکی تحویل او می‌دهد. دو مهندس امریکایی پس از تأمل دربارهٔ این مسئله، دریافتند که اگر در پایان طرح، جهان پایان نیابد، دچار دردسر خواهند شد چرا که خود را در میان صدها راهب خشمگینی خواهند دید که یک رایانه، ثمرهٔ عمر آنها را به باد داده است. آنها نقشه کشیدند که پیش از آنکه رایانه آخرین دستهٔ نامها را ارائه کند، طرح را رها کرده و بروند<sup>(۱)</sup>...

در کتاب مورد بحث، نکته‌ای از این داستان برداشت شده که چندان به کار ما نمی‌آید؛ اما از منظر این مقاله، داستان به بهترین شکل تعارض میان جهان‌بینی‌های نوین و رویکرد سنتی به دین را بیان کرده است.

انسان جدید، به تبع جهان‌بینی نوین خود، نسبت جدیدی با دین پیدا کرده است. یکی از دلایل ناسازگاری عمل و نظر انسان امروزی، ورود آرام آرام او به عصر جدید و عدم رشد و تکامل هماهنگ اندیشه‌ها یا نحوهٔ زندگی اوست. بینش و استنباط اکثر ما از خود و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، همان بینش گذشتگان است، اما همه چیز جهان نوین ما را به ترک این دیدگاه دعوت می‌کند. اضطراب و تشویش، به هنگام عمل، ناشی از

خلاصهٔ داستان این است که یک روحانی عالی‌مقام بودایی برای معبدش در تبت رایانه‌ای خودکار از نوع V خریداری می‌کند. او از سازندگان دستگاه می‌خواهد که آن را به گونه‌ای تغییر دهند که به جای اعداد، حروف را چاپ کند. هدف عجیب بنا به گفتهٔ خودش این است که راهبان بتوانند هر چه سریع‌تر فهرست تمامی نامهای خداوند را تکمیل کنند. انجام این مهم که ممکن بود پانزده قرن طول بکشد، به کمک رایانه طی صد روز صورت می‌پذیرد. اگر سلسلهٔ حروف به نحوی نظام‌مند و براساس نوعی الفبای ویژه با یکدیگر ترکیب می‌شدند، سرانجام همهٔ نامهای واقعی خداوند فهرست می‌شد. نصب رایانه در آن معبد بودایی برفراز کوه‌های تبت، چندان طول نکشید. دو مهندس (جرج و چاک) برای نظارت بر کار رایانه به معبد فرستاده شدند و با کمال حیرت دیدند که راهبان بدون احساس خستگی، نوارهای طولانی نامها را در کتابها می‌چسبانند.

سرانجام، هنگامی که «چاک» به روحانی عالی مقام خبر می‌دهد که رایانه در حال انجام مراحل پایانی کار است، پاسخی چنان شورانگیز می‌شنود که ناچار می‌شود دربارهٔ اهمیت دینی عملکرد رایانه بیشتر تأمل کند. مرد روحانی به او می‌گوید: «بسیار عالی است! راهبان معتقدند وقتی فهرست نامهای خداوند (که بنابر محاسبهٔ آنان شامل حدود نه میلیارد نام است) کامل شود، غایت خداوند محقق شده است. بشریت کاری را که برای به انجام رساندن آن خلق شده، به پایان رسانده و کار دیگری باقی نمانده است.»

بعدها، چاک این ماجرای باور نکردنی را برای جرج باز می‌گوید که: «وقتی فهرست کامل شود، خداوند وارد می‌شود و همه چیز به سادگی خاتمه خواهد یافت... هورا!» جرج در مقابل این فکر که پایان طرح، پایان جهان خواهد بود، لبخند عصبی

**گداست بخشی از ادبیات دینی برای کودکان، از منظر دیگری نیز قابل تأمل است. یک تحقیق در زمینه ۷۲ عنوان از کتابهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که رویکرد محافظه‌کارانه و غیرنقادانه نسبت به سنت، وجه مسلط این کتابهاست.**

ایدئولوژیک کردن دین، خلوص و توانایی دین<sup>(۴)</sup> به معنی پاسخگویی به تمام نیازهای بشری است. البته این خلوص و توانایی به نحوه دیگری نیز در بحث بازسازی دینی مطرح شده است: توانایی دین در این بحث، بیشتر سلبی است تا ایجابی؛ یعنی معرفت دینی بخش اعظمی از مدعیات گذشته و «حداکثر»ی خود را باز پس می‌گیرد و به این ترتیب، باورهای بنیادین آن دست نخورده‌تر می‌ماند. خلوص دین نیز با همان باورهای بنیادی حفظ می‌شود؛ اینکه خداوند دین خود را خالص نگاه می‌دارد. رجوع مستمر به کتاب و سنت، مؤمن را دائماً با دین و معرفت دینی درگیر کرده و تقرب بیشتری به جوهره دین صورت می‌گیرد.<sup>(۵)</sup>

از دیگر رویکردهای جدید به معرفت دینی که بیشتر در بحث کلام نمود پیدا کرده و می‌توان در

تشویش و اضطرابی است که در نظر داریم، یکی از آن دو باید عوض شود.<sup>(۱)</sup>

رویکردهای جدید در معرفت دینی، تلاش می‌کنند تا با ارائه نظریه‌های متناسب از این تعارض کاسته و باعث آشتی جهان‌بینی‌های نوین و معرفت دینی شوند.

در کشور ما، رویکردهای جدید در معرفت دینی به نتایجی انجامیده است که در اینجا برخی از نتایج مربوط به بحث خود را ارائه می‌کنیم.

یکی از مهمترین نتایج رویکردهای جدید به معرفت دینی در کشورمان، تفکیک بین دین و معرفت دینی است. بر طبق این رویکرد، معرفت دینی به عنوان معرفتی بشری معرفی می‌شود. وقتی بپذیریم که نظریه‌پردازی دینی و اجتهاد کوشش فکری منفعل از دیگر معارف بشری نبوده و متکلم و فقیه در پرتو مواضع و مقبولات پیشین خود (پیش فهمها) اجتهاد می‌کند، باید بپذیریم که مواضع و مقبولات آنان می‌بایستی با تحولات علوم و معارف بشری هماهنگ شده و دائماً مورد تجدیدنظر قرار گیرد.<sup>(۲)</sup>

پذیرفتن این رویکرد که برای نخستین بار تحت عنوان «قبض و بسط تئوریک شریعت»<sup>(۳)</sup> ارائه شد، از یک سوی به تقدس‌زدایی از اموری که فی‌نفسه مقدس نیستند می‌انجامد و از سوی دیگر به نوعی پلورالیسم درون دینی منتهی می‌شود. امروزه، اصطلاح «قرائت‌های متفاوت از دین» که در گفته‌های بسیاری از صاحب‌نظران و گاه مسئولان بلندپایه کشوری دیده می‌شود، مؤید همین نکته است.

نتیجه دیگری که از رویکردهای جدید به معرفت دینی گرفته می‌شود، نفی دین ایدئولوژیک است. در واقع، دین ایدئولوژیک از یک سو نوعی برخورد گزینشی با دین بوده و از سوی دیگر بسار کردن اموری به دین بوده که داشتن چنین داعیه‌هایی امروزه امکان‌پذیر نیست. دو دغدغه اساسی در

۱- سروش، عبدالکریم / کبان / شماره ۲۶ مرداد و شهریور ۱۳۷۴ / ص ۶.

۲- مجتهد شبستری، محمد / هرمونیک. کتاب و سنت / طرح نو / ۱۳۷۶ / ص ۸۷.

۳- این نظریه نخستین بار در سلسله مقالاتی در مجله کیهان فرهنگی به قلم دکتر سروش چاپ شد و سپس در کتابی با همین عنوان توسط انتشارات صراط منتشر شد.

۴- محمدی، مجید / دین‌شناسی معاصر / قطره / ۱۳۷۴ / ص ۱۱.

۵- محمدی، مجید / دین‌شناسی معاصر / قطره / ۱۳۷۴ / ص ۳۶۷.

✎ با توجه به اینکه اکثر قریب به اتفاق داستانهای مذهبی کشورمان درباره پیامبران، ائمه و اولیاءالله است و شخصیتهای مذهبی در داستانها نیز به نوعی تقدس می یابند، الگوی شخصیت مذهبی در این کتابها، الگویی فرانسائی و غیرقابل دسترسی است.

مقایسه با کلام سنتی و کلام جدید به آن پرداخت - اگرچه در آن بحث از اهمیت زیادی برخوردار نیست، اما از منظر بحث ما مهم بنظر می رسد - تقدم ارائه مطالب به جای توجیه آن است.

این بحث را با این توضیح به پایان می بریم که رویکردهای جدید به دین و معرفت دینی، بحثی پایان ناپذیر است و نظریه های دیگری نیز در این حوزه مطرح شده اند. ما فقط مواردی را بیان کرده ایم که اصل دین و دین داری را به رسمیت می شناسند.

### گونه ها و وظایف ادبیات دینی کودک

در زمینه گونه شناسی ادبیات دینی برای کودکان و نوجوانان، متأسفانه تلاشی جدی در کشورمان صورت نگرفته است. گونه شناسی این حیطه از ادبیات، به طور روشمند و علمی نیاز به مطالعه و تحقیق بیشتری دارد و به همین دلیل ابتدا وظایف قابل تصور برای ادبیات دینی را بیان کرده و سپس تلاش می کنیم پیشنهادی در زمینه گونه شناسی این نوع ادبیات ارائه دهیم.

در نگاهی کلی می توان گفت ادبیات دینی برای کودکان، ادبیاتی است که میراث مذهبی (شامل دغدغه ها و آموزه ها) نسل کنونی را به نسل بعدی منتقل می کند. این تعریف، مبتنی بر واقعیت است یعنی در حال حاضر ادبیات دینی برای کودکان

کشور ما با همین تعریف تولید می شود. این روند، قابل انتقال بوده و در جای خود مطرح خواهد شد. یکی از فیلسوفان دین به نام «بریث ویت» (۱۹۰۰) یکی از وجوه ممیزه زبان دینی را حکایاتی می داند که تصویری از زندگی اخلاقی به دست داده و انسانها را به آن نوع زندگی ترغیب می کنند. از نظر او، حکایات برای رسیدن به هدف اصلی خود، ملزم به رعایت صداقت نبوده و حتی لازم نیست که دیگران آنها را صادق بدانند. «ویت» رابطه میان حکایات و زندگی اخلاقی را، رابطه ای «روان شناختی و علی» می داند، چرا که به عقیده او اگر اغلب مردم رفتار خود را از پاره های حکایات الهام بگیرند، بالطبع آن رفتارها را آسان تر انجام می دهند. (۱)

با نگاهی به داستانهای مذهبی تولید شده برای کودکان و نوجوانان کشورمان در می یابیم که اکثر قریب به اتفاق آنها براساس زندگی پیامبران، ائمه و اولیاء الهی نوشته شده و متضمن نکاتی اخلاقی اند. برای نمونه کتاب «هفت حکایت از بچه ها و پیامبر» نوشته مصطفی رحماندوست، انتشارات افق.

توضیح این نکته نیز خالی از فایده نیست که برخی صاحب نظران، یکی از کارکردهای دین را «پشتیبانی از اخلاق» می دانند. آنان معنی بخشیدن به میسر و متبوع کردن زندگی انسان در هستی، بدست دادن موضوعی برای تجربه دینی و تفسیر صحیح تجربه های دینی را نیز از جمله کارکردهای دین می دانند. (۲)

با اشاره به گفته صاحب نظران، می توان سه وظیفه اصلی ادبیات دینی برای کودکان را به شرح زیر بیان کرد:

الف - آموزش مفاهیم و اطلاعات دینی (وظیفه

۱- عقل و اعتقاد دینی / طرح نو / ۱۳۷۶ / ص ۲۷۰

۲- رجوع شود به مقاله خدمات و حسنات دین در شماره ۲۷ / کیان از دکتر عبدالکریم سروش.

**۱ یکی از ویژگی‌های ادبیات دینی برای کودکان در کشور ما، توجه به تظاهرات و رفتار دینی شخصیت‌هایی است که به عنوان الگوهای مذهبی معرفی می‌شوند و به این دلیل نوعی ادبیات ریاکار پدید آمده است. دامن زدن به چنین نگرش‌هایی در عرصه‌های دیگر بخصوص آموزش و پرورش رسمی کشور، منجر به مذهب‌گریزی و کتاب‌گریزی خواننده خواهد شد.**

آموزشی؛ مثل کتابهایی که در قالب داستان می‌کشند تعالیم مذهبی را آموزش بدهند. نمونه موفق این نوع کتابها «نامه آسمانی» نوشته بیوک ملکی و مژگان کلهر از انتشارات پیدایش و کتاب «پس از عرض سلام» نوشته مژگان کلهر انتشارات سروش است.

ب - بیان مقاصد اخلاقی و ترغیب به رفتار اخلاقی: این نوع کتابها بیشترین حجم کتابهای مذهبی را در برمی‌گیرند. که می‌توان در اصطلاح کلی‌تری آنها را تربیتی نیز نامید.

ج - بیان حس‌ها، اعتقادات، تجربه‌ها و دغدغه‌های دینی؛ این نوع کتابها کمتر تولید می‌شوند، چرا که به دلیل انتزاعی بودن موضوع آنها به دشواری نوشته می‌شوند، اما حداقل دو نمونه را سراغ دارم که عبارتند از: «الف، دال، میم» نوشته مهدی جخوانی، انتشارات افق و دیگری «از کجا می‌آیی گل سرخ؟» نوشته مهدی میرکیانی، انتشارات قو.

این کتابها بیشتر به ایمان و احساس دینی ارتباط پیدا می‌کنند.

با توجه به وظایف سه‌گانه ادبیات دینی

می‌توان این نوع ادبیات برای کودکان را از نظر محتوا سه دسته تقسیم کرد:

- الف - کتابهای آموزشی
- ب - تربیتی
- ج - شهودی، عرفانی

ادبیات دینی برای کودکان از نظر فرم نیز به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

- الف - داستان تاریخی و مستند (قصه‌های منظوم تاریخی مثل «ظهر روز دهم» قیصر امین‌پور).
- ب - داستان غیرتاریخی (قصه‌های منظوم غیر مستند).

ج - توصیفی (برخی از اشعار و قطعه‌های ادبی). البته گفتنی است که این تقسیم‌بندی‌ها به دو دلیل دقیق نیستند: اول اینکه به صورتی روشنند و علمی مرزبندی نشده‌اند و دوم اینکه (به خصوص در تقسیم‌بندی محتوایی) یک اثر ممکن است به طور همزمان چند کارکرد داشته باشد. در دیدگاه‌های جدید در خصوص بحث کارکردها، اصولاً دوره چنین تقسیم‌بندی‌هایی سپری شده است.

**ادبیات دینی کودک در ایران**

نگاهی گذرا به کتابهای منتشر شده در حوزه ادبیات دینی برای کودکان، جدا از ضعف‌های شدید فنی، تکراری بودن طرحها و سوزدها و مشکلاتی از این دست، از لحاظ محتوایی نیز می‌توان ویژگی‌های زیر را استخراج کرد. در واقع این ویژگی‌ها نتیجه یک بررسی اجمالی و انتقادی است:

**الف - قدرت بخشی**

قدرت بخشی یکی از ویژگی‌های ادبیات دینی برای کودکان است. به این معنی که در این ادبیات شخصیت‌های دینی و دین‌دار و همچنین امور مربوط به دین، به نوعی قداست می‌یابند حتی اگر فی‌نفسه مقدس نباشند. مثلاً معلم دینی یا امور





تربیتی که شخصیتی مذهبی است. در داستان به نوعی مقدس شده و رفتار و گفتارش غیرقابل انتقاد می‌شود و یا برداشتها و قرائتهای خاص از اسلام که نویسنده به آنها معتقد است، قدرت می‌یابد. در نگاه اول، شاید چنین اتفاقی منفی تلقی نشود، ولی به خاطر آوردن داستان رایانه و روحانی بودایی، نکاتی را به ما تذکر خواهد داد. مثلاً اگر امور یا افرادی که توسط نویسندگان قداست یافته‌اند به نوعی دچار تقدس‌زدایی شوند، آیا مخاطب می‌تواند بین این امر یا فرد مقدس و امور یا افراد مقدس دیگر تفاوتی قائل شود؟ آیا این امر باعث نخواهد شد که قداست امور و افرادی که فی‌نفسه نیز مقدسند، مورد تردید قرار گیرد؟ آیا برای مخاطبان ساده‌دل این حیطه از ادبیات دینی، همان اتفاقی نخواهد افتاد که برای آن روحانی بودایی افتاد؟

قداست بخشی از ادبیات دینی برای کودکان. از منظر دیگری نیز قابل تأمل است. یک تحقیق در زمینه ۷۲ عنوان از کتابهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که رویکرد محافظه‌کارانه و غیرنقادانه نسبت به سنت، وجه مسلط این کتابهاست. در بخش دیگری از همین تحقیق، از پژوهشی خارجی نام برده شد، که چنین رویکردی را که یکی از موانع توسعه تشخیص داده است.<sup>(۱)</sup>

ب - نسبت به مخاطب اقتدارگر است.

همان تحقیق نشان می‌دهد که داستانهای کودک و نوجوان در ایران از ساختی اقتدارگر برخوردارند و در آنها، مخاطبان قصه به منزلهٔ فرزندان تلقی می‌شوند که باید از طریق اجرایی مقررات یا فرامین اخلاقی مقدر و دیکته شده از سوی محیط اجتماعی، به فردی مطلوب از نظر هنجارهای معمول اجتماعی تبدیل شوند.<sup>(۲)</sup>

ج - ارائهٔ مطلوبیهای دور از دسترس

با توجه به اینکه اکثر قریب به اتفاق داستانهای

۱- گرانبیاه، بهروز / تحلیل گفتمانی الگوهای فرهنگی در کتابهای کودکان / مرکز پژوهشهای بنیادی / ص ۶۹

۲- همان منبع / ص ۶۹

ایدئولوژیک کردن دین به این معنی که توقع داشته باشیم دین در همه حوزه‌ها دارای نظر و پیام باشد، امری خطرناک است. نگرش ایدئولوژیک به دین، در واقع نوعی دنیایی کردن دین است، البته نه به این معنا که دین به درد دنیا نمی‌خورد و فقط برای آخرت آمده است بلکه نگاه ایدئولوژیک به دین، نگاهی گزینشی بوده و به تخریب باورهای بنیادین دینی در دینداران می‌انجامد.

داشته باشیم دین در همه حوزه‌ها دارای نظر و پیام باشد، امری خطرناک است. نگرش ایدئولوژیک به دین، در واقع نوعی دنیایی کردن دین است، البته نه به این معنا که دین به درد دنیا نمی‌خورد و فقط برای آخرت آمده است بلکه همان‌طور که در بخشهای قبلی مقاله نیز اشاره کردیم، نگاه ایدئولوژیک به دین، نگاهی گزینشی بوده و به تخریب باورهای بنیادین دینی در دینداران می‌انجامد.

به هر حال، رویکرد به دین در ادبیات دینی برای کودکان و نوجوانان رویکردی ایدئولوژیک است و با توجه به تحولات گسترده دنیای جدید، چنین نگرشهایی باعث خدشه در باورهای بنیادین نوجوانان و کودکان دین‌دار می‌شود. اشاره به داستان رایانه و روحانی بودایی به روشن شدن منظورمان کمک خواهد کرد.

و - برخورد گزینشی غیر واقع‌گرایانه با توجه به اینکه مخاطبان ادبیات کودکان، تعریف و ویژگی‌هایی خاص دارند، طبیعی است که در طرح مفاهیم دینی برای آنان باید گزینش خاصی صورت گیرد. در ادبیات دینی برای کودکان نیز این گزینش صورت می‌گیرد، اما نه براساس نیازها و خواستههای مخاطب بلکه براساس توانایی‌های نویسنده، نظر ناشر و جو موجود. به همین دلیل، بازنویسی‌های وقایع مذهبی بیشترین حجم کتابهای مذهبی را به خود اختصاص داده‌اند.

نیز به نوعی تقدس می‌یابند. الگوی شخصیت مذهبی در این کتابها، الگویی فراانسانی و غیرقابل دسترسی است. شخصیتها یا سیاه سیاهند و یا سفید سفید.

علاوه بر این، مطلوب قابل دسترس در این داستانها نیز به دلیل شکل‌گیری براساس برداشتهای قشری از مذهب، مورد علاقه و توجه مخاطبان قرار نمی‌گیرد.

د - ترویج اطاعت بی‌چون و چرا به عنوان ارزشی دینی

الگوهای مذهبی ارائه شده در داستانهای مذهبی برای کودکان ضمن برخورداری از ویژگی‌های پیشین (اقتدارگرایی، تقدس و دور از دسترس بودن) معمولاً در برخورد با امور مربوط به مذهب، به اطاعت بی‌چون و چرا از آن پرداخته و خود نیز در مواجهه با دیگران چنین توقعی دارد.

این امر به خودی خود شاید اشکالی نداشته باشد. ولی وقتی توجه کنیم که این نوع برخورد منجر به قداست‌زایی کاذب شده و همه قرائتها و برداشتها از اسلام غیرقابل خدشه و انتقاد می‌شوند، موضوع جدی‌تر می‌شود زیرا به بی‌تفاوتی و تبعیت محض حتی در مقابل سوء استفاده از دین و برداشتهای اشتباه در مخاطب می‌انجامد.

ه - رویکرد ایدئولوژیک به دین  
ایدئولوژیک کردن دین به این معنی که توقع

تلاشهای زیادی صورت گرفته تا دین از صحنه خارج شود، اما همچنان حضور دارد و حتی در اروپا نیز به حاشیه رانده نشده است. در ۱۹۸۰ «تایم» نوشت که علاقه به پژوهشهای فلسفی در باب دین احیا شده و اظهار داشت که «خداوند در حال بازگشتن است.» به تدریج عده بیشتری از مردم درمی یابند که مباحث موجود در خصوص اعتقاد به خداوند، فوق العاده مهم اند.

داستانهایی که به کودکی ائمه اختصاص دارد، از بدو تولد یا لفظ امام از ایشان نام برده اند. چنین حضوری، باعث می شود نویسنده نتواند اثری تولید کند مورد پسند عموم مخاطبان همین شیفتگی و اعتقاد به تقدس زدایی، رویکرد ایدئولوژیک به دین، ترویج اطاعت بی چون و چرا و توجیه تمام اشکالات موجود در برداشتهای ما به عنوان اصول اشتباه ناپذیر دینی منجر می شود.

ح - توجه به تظاهرات و رفتار دینی به جای ایمان

یکی از ویژگی های ادبیات دینی برای کودکان در کشور ما، توجه به تظاهرات و رفتار دینی شخصیت هایی است که به عنوان الگوهای مذهبی معرفی می شوند و به این دلیل نوعی ادبیات ریاکار پدید آمده است. دامن زدن به چنین نگرش هایی در عرصه های دیگر بخصوص آموزش و پرورش رسمی کشور، منجر به مذهب گریزی و کتاب گریزی خواننده خواهد شد.

ت - نقش تبلیغی زیاد

یکی از مشکلات اساسی ادبیات دینی کودک در کشور ما این است که نویسندگان نقش تبلیغ دینی را برای خود قائل می شوند. این نگرش متکی بر دو

برخورد گزینشی از نوع غیرواقعی گرایانه به اشباع شدگی کاذب ادبیات مذهبی و گسترش عرضی و سطحی به جای تعمیق مفاهیم می انجامد. این جدول از تحقیقی که به تحلیل محتوای مطالب مذهبی ۱۰ مجله کودک و نوجوان در سال ۱۳۷۵ پرداخته، استخراج شده است: (۱)

عنوان	فراوانی	درصد
اصول عقاید	۱۱۸۶	۴
تاریخ	۶۸۲۹	۲۲/۸
اخلاق	۱۴۴۳۴	۴۸/۲
احکام	۳۰۴۸	۱۰/۲
قرآن	۲۷۵۴	۹/۲
انقلاب <sup>۳</sup>	۱۶۶۷	۵/۶
جمع کل	۲۹۹۱۸	۱۰۰

همان طور که مشاهده می شود، کمترین حجم مطالب در زمینه اصول عقاید نوشته شده است، در حالی که اصول عقاید از موضوعات پایه ای و بنیادی دین آموزی به کودکان و نوجوانان بوده و در کشورهای دیگر کارهای زیادی در این زمینه صورت گرفته است.

ز - حضور معتقدانه نویسنده به جای حضور هنرمندانه

اغلب نویسندگان کودک و نوجوان که به موضوعات دینی پرداخته اند، از منظر نویسنده ای مسلمان و شیفته معصومین (س) و اولیاءالله، به تولید اثر پرداخته اند. گاه دیده می شود که ائمه در

۱- بنی هاشم نژاد، فرزانه / سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان / شماره اول سال اول / ص ۳۸.  
 ۳- اگرچه در مقاله ما مسائل مربوط به انقلاب، جزو ادبیات دینی تلقی نمی شود، اما درصدهای مربوط به هر موضوع و حجم مطالب مربوط به آن در مطبوعات، منظور ما را روشن تر بیان می کند.



## با توجه به اینکه مخاطبان ادبیات کودکان، تعریف و ویژگی‌هایی خاص دارند، طبیعی است که در طرح مفاهیم دینی برای آنان باید گزینش خاصی صورت گیرد. در ادبیات دینی برای کودکان نیز این گزینش صورت می‌گیرد، اما نه براساس نیازها و خواسته‌های مخاطب بلکه براساس توانایی‌های نویسنده، نظر ناشر و جو موجود.

تدریج عده بیشتری از مردم درمی‌یابند که مباحث موجود در خصوص اعتقاد به خداوند، فوق‌العاده مهم‌اند.<sup>(۲)</sup>

هدف این مقاله نیز توانایی ادبیات دینی برای کودکان بوده و پیشنهادهای زیر در همین زمینه ارائه می‌شود:

۱. در بخش ادبیات توقعمان را از دین معقول‌تر کنیم و انتظار نداشته باشیم که بتوانیم از دین، اصولی را برای نگارش داستانهای مذهبی استخراج کنیم. یکی از صاحب‌نظران می‌گوید: «جهان‌بینی، شکل کلی و کلان زندگی انسان را به او می‌دهد. برای مثال، تمدن دینی با یک تمدن غیردینی تفاوت زیادی پیدا می‌کند. هنری که درون تمدن دینی پدید می‌آید... با غیردینی متفاوت است.

۲. اعتقادات مثل هوایی است که همه از آن تنفس می‌کنند. اگر هوا نباشد، همه می‌میرند و اگر باشد همه با نشاط و فعال می‌شوند، یعنی چنین تفاوت عظیمی در کار است، اما این تفاوت عظیم را نمی‌توان خرد و در تکتک مصادیق دنبال کرد.»<sup>(۳)</sup>

۳. توقعمان را از ادبیات واقعی کنیم. نباید از ادبیات انتظار داشته باشیم که به تنهایی و با قدرت تأثیر بالایی در انتقال آنچه که ما می‌خواهیم مؤثر واقع شود.

پیش فرض اساسی است: اول اینکه قدرت تأثیر کتاب زیاد است. دوم اینکه کتاب همچون جزیره‌ای بی‌ارتباط با دیگر کالاهای فرهنگی، می‌تواند مؤثر باشد. امروزه این پیش فرض‌ها به شدت خدشه‌دار و قابل انتقاد است.

در واقع، نویسنده نباید در پی تحمیل نقش تبلیغی به کتاب خود باشد. او باید با توجه به معیارهای هنری به ارائه آثار مذهبی بپردازد و به جای سعی در اقناع و مؤمن‌تر، مسلمان‌تر و متدین‌تر کردن مخاطبان - که ادعاهایی غیرعملی است - سعی در انتقال دغدغه‌های دینی به او کند. امروزه، داشتن دغدغه دینی بسیار مهمتر از اعتقاد داشتن به برداشت خاص از دین است.

### چند پیشنهاد خام

به قولی، نخستین کتاب کودکی که در دنیا منتشر شد، کتابی مذهبی بود به نام «یادگاری برای کودکان»<sup>(۱)</sup> از آن روز تاکنون، کتابهای مذهبی بی‌وقفه برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. درگیرودار چالشهای متفاوتی که زندگی بشر را فرا گرفته‌اند، دین همیشه یک پای جدال‌ها و گفت‌وگوها بوده است. تلاشهای زیادی صورت گرفته تا دین از صحنه خارج شود، اما همچنان حضور دارد و حتی در اروپا نیز به حاشیه رانده نشده است. در ۱۹۸۰ «تایم» نوشت که علاقه به پژوهشهای فلسفی در باب دین احیا شده و اظهار داشت که «خداوند در حال بازگشتن است.» به

۱- شعاری‌زاد، علی‌اکبر / ادبیات کودکان / اطلاعات / ۱۳۶۴ / ص ۳۳.

۲- عقل و اعتقاد دینی / طرح نو / ۱۳۷۶ / ص ۱۱.

۳- سروش، عبدالکریم / کیان / شماره ۲۷ / ص ۱۴.

## نویسنده ادبیات مذهبی نباید حس کند که وظایف همه قشرها و افراد بر عهده اوست.

۳. باید توجه داشته باشیم که دیگر معارف بشری نیز در معرفت دینی تأثیر می‌گذارد. لذا در تولید اثر دینی باید ضمن پرهیز از قداست بخشی به تقدس‌زدایی از امور و افرادی که فی نفسه مقدس نیستند، بپردازیم. زیرا تقدس بخشی، در واقع دامن زدن به چالش بین علم و دین بوده و در نهایت به ضرر دین تمام می‌شود.

یک صاحب‌نظر غربی می‌گوید: «داستان علمی - تخیلی درباره موجودی برون زمینی با نیروی فوق بشری که در هیئت مبدل از آسمان به زمین می‌آید. منظور داستانهایی علمی - تخیلی برای نوجوانان اروپایی و امریکایی است.» در دریافت افراد از روایت حلول خدا به صورت انسان اثر می‌گذارد و مسیحیان را ناچار می‌کند تا معلوم سازند منظورشان چیزی از همین دست است یا نه»<sup>(۱)</sup>.

۴. تجربه نشان داده است که در برخورد با کودکان و نوجوانان، شیوه‌های اقتدارگرایانه و از بالا به پایین هرگز موفق نبوده است و باید با همدلی و همراهی با آنان برخورد کرد. یکی از دلایل موفقیت روزنامه «آفتابگردان» در آخرین روزهای انتشارش نه از آن جهت بود که نقش رهبری و راهنمایی بچه‌ها را بر عهده داشت بلکه از این نظر بود که با آنها همراه و همدلی - نه حتی یک گام پیشتر - شده بود. از همین رو بدیهی است که باید شخصیت‌های مذهبی در ادبیات کودک، تصویری مطلوب‌تر داشته باشند و بیش از آنکه به صورت نماد رهبری آنان جلوه‌گر شوند، همراه آنها باشند.

۵. نویسنده ادبیات مذهبی کودک، می‌بایستی به جای توجیه اشکالات موجود در برداشتهای رسمی از دین، فرصت چون و چرا به مخاطب خود بدهد و از ارائه نقش‌آرمانه شخصیت‌های مذهبی در کتابهایش بپرهیزد.

۶. نویسنده ادبیات مذهبی کودک باید به شدت از طرح ایدئولوژیک دین پرهیز کند، چرا که در آینده باورهای مخاطب در مواجهه با علوم و دانش‌های جدید در هم ریخته و منجر به تعارض می‌شود.

۷. نویسنده باید سعی کند در نقل داستانهایی مذهبی اعتقادات و برداشتهای خود را دخیل نکند. به جای پرداختن به ایمان دینی، به رفتار و تظاهرات دینی نپردازد. البته معنی پیشنهاد این نیست که نویسنده باید در پرداختن به ایمان دینی از نیازها و خواستههای کودکان غفلت ورزد و مطلوبهای دور از دسترس و انتزاعی ارائه دهد.

۸. نویسنده ادبیات مذهبی نباید حس کند که وظایف همه قشرها و افراد بر عهده اوست و موظف است که هم در افزایش تعداد مسلمانان بکوشد و هم در تعمیق باورهای آنان و هم... او نباید فراموش کند که پیش از همه چیز نویسنده است و اثرش باید از این زاویه قابل ارائه باشد: تبلیغ وظیفه او نیست و همان قدر که بتواند دغدغه دینی را به مخاطب منتقل کند و حتی چند سؤال و حتی شبهه مذهبی برایش پدید آورد، کافی است. وظیفه پاسخگویی به این سؤالات و شبهات، بر عهده علما و نهادهای دینی است.

۹. البته همان‌طور که در بخشهای قبلی مقاله نیز اشاره کردم، این‌گونه نیز نبوده است که کتاب مناسبی در حوزه ادبیات دینی منتشر نشده باشد. در سالهای اخیر، معدود کتابهایی بوده‌اند که آگاهانه یا ناآگاهانه، متناسب با رویکردهای جدید به معرف این نوشته شده‌اند. آثاری مثل «الف - دال مبین» از مهدی حجوی و «از کجا می‌آیی گل سرخ» از مهدی میرکیانی.

۱- کیویت، دان/ دریای ایمان/ حس کامشاد/ طرح نو/ ۱۳۷۶/ ص ۱۶.